

**حمیده هدا**،**یتخواه دانشجوی دکتری مطالعات زنان:**

## کمپانی مطالعات زنان در ایران مانع تولید علم است

### رشته مطالعات زنان تحت سیطره یک عده معدود قرار دارد



در سال‌های اخیر مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه و جامعه‌الزهر(س) اقدام به تأسیس رشته مطالعات زنان برای طلاب سطح ۳ و ۴ خود کردند. دانشگاه‌هایی نیز مانند دانشگاه ادیان و مذاهب برای رشته مطالعات زنان اقدام به برگزاری آزمون اختصاصی ویژه طلاب کرده و طلبه دانشجویان را در مقطع دکتری پذیرش می‌کند. این اتفاق مورد توجه و استقبال طلاب قرار گرفته است، اما نوع پرداختن به این رشته و ساختار

حالت به تولید متن بومی نیز بپردازند.

**یعنی هدف در سهه سطح تعریف نشد؛ اول مرعوب متون غربی نشدن، دوم برقراری نوعی دیالوگ با متون غربی و در سطح سوم تولید متن و محتوا با رویکرد اسلامی در حوزه مطالعات زنان.**

بله! کاملاً درست است. به هر حال مسئولان احساس می‌کردند این طیف به نوعی در مقابل دیدگاه‌های غربی ایزوله هستند و تأثیرپذیری کمتری خواهند داشت. حال این دسته باید به صورت تخصصی وارد حوزه مسائل زنان شوند، ضمن آشنایی و تسلط بر دیدگاه‌های اسلامی مطالعات زنان را با متون غربی بخوانند تا خروجی این گروه‌ها یعنی سطح ۳ و ۴ حوزه و دکتری، تولید محتوای اسلامی مطالعات زنان برای گسترش این رشته در دانشگاه‌های سراسر کشور باشد. در واقع می‌توان گفت این دسته هسته مرکزی تولید محتوا و متن بومی برای گسترش این رشته در دانشگاه‌های کشور محسوب می‌شوند. حوزه علمیه با همکاری برخی دانشگاه‌ها تصمیم گرفت چنین کاری انجام بدهد. یعنی با این رویکرد طلبه و دانشجو بگیرند طلبه دانشجویایی که تولید محتوا بکنند و در این رشته به همان بحث تولید علمی که ما داریم با چارچوب اسلامی برسند.

**چه ساز و کارهایی برای تحقق این هدف در بیشتر حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌هایی مثل داشگاه شما که طلبه دانشجوی پذیرش**



**یکی از بزرگ‌ترین موانعی که وجود دارد که البته تنها مختص به مطالعات زنان هم نیست، بت‌سازی در رشته‌های علمی است.** یعنی چند نفر می‌شوند غول رشته خودشان و آنقدر فرقه می‌شوند یا فرقه‌شان می‌کنند که اگر کسی بخواهد در آن رشته رشد کند، حرفی بزند یا به جایی برسد یا باید مورد تأیید این افراد قرار بگیرد یا به نوعی زیر مجموعه آنها باشد. در واقع کسی نمی‌تواند خارج از چارچوب این عده معدود که به هر حال **غول آن رشته محسوب می‌شوند** کار کند



آموزشی مهیا شده برای آن محل بحث جدی کسانی است که در این فضا مشغول به تحصیلند. حمیده هدایتخواه یکی از طلبه دانشجویانی است که در مقطع دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب مشغول به تحصیل است و در حال تألیف پایان نامه خود. وی که کارشناسی از شد علوم قرآن و حدیث دارد و طلبه سطح ۳ با تخصص فقه و اصول نیز می‌باشد، اولین سفرهای بین‌المللی تیم‌های دانشگاهی مطالعات زنان کشور را به

آموزشی مهیا شده برای آن محل بحث جدی کسانی است که در این فضا مشغول به تحصیلند. حمیده هدایتخواه یکی از طلبه دانشجویانی است که در مقطع دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب مشغول به تحصیل است و در حال تألیف پایان نامه خود. وی که کارشناسی از شد علوم قرآن و حدیث دارد و طلبه سطح ۳ با تخصص فقه و اصول نیز می‌باشد، اولین سفرهای بین‌المللی تیم‌های دانشگاهی مطالعات زنان کشور را به

حالت به تولید متن بومی نیز بپردازند.
**یعنی هدف در سهه سطح تعریف نشد؛ اول مرعوب متون غربی نشدن، دوم برقراری نوعی دیالوگ با متون غربی و در سطح سوم تولید متن و محتوا با رویکرد اسلامی در حوزه مطالعات زنان.**

بله! کاملاً درست است. به هر حال مسئولان احساس می‌کردند این طیف به نوعی در مقابل دیدگاه‌های غربی ایزوله هستند و تأثیرپذیری کمتری خواهند داشت. حال این دسته باید به صورت تخصصی وارد حوزه مسائل زنان شوند، ضمن آشنایی و تسلط بر دیدگاه‌های اسلامی مطالعات زنان را با متون غربی بخوانند تا خروجی این گروه‌ها یعنی سطح ۳ و ۴ حوزه و دکتری، تولید محتوای اسلامی مطالعات زنان برای گسترش این رشته در دانشگاه‌های سراسر کشور باشد. در واقع می‌توان گفت این دسته هسته مرکزی تولید محتوا و متن بومی برای گسترش این رشته در دانشگاه‌های کشور محسوب می‌شوند. حوزه علمیه با همکاری برخی دانشگاه‌ها تصمیم گرفت چنین کاری انجام بدهد. یعنی با این رویکرد طلبه و دانشجو بگیرند طلبه دانشجویایی که تولید محتوا بکنند و در این رشته به همان بحث تولید علمی که ما داریم با چارچوب اسلامی برسند.

**چه ساز و کارهایی برای تحقق این هدف در بیشتر حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌هایی مثل داشگاه شما که طلبه دانشجوی پذیرش**

می‌کنند. هر کسی که بخواهد وارد این کمپانی شود یا باید زیرمجموعه آنها باشد و تابع حرفی که آنها می‌گویند یا باید از سوی آنها تأیید شود. هیچ صدای دیگری جز صدای کمپانی‌های علمی در ایران به گوش نمی‌رسد. حتی اگر کسی حرفی برای گفتن هم داشته باشد هیچ تربیونی برای گفتن حرف‌هایش پیدا نمی‌کند. بهتر است بگویم جرئت بیان حرف‌هایش را هم پیدا نمی‌کند. چرا؟ چون احساس می‌کند فقط و فقط آن چیزی که آنها می‌گویند درست است. این مسئله بزرگ‌ترین مانع تولید علم است، اگر توجه کنید مقام معظم رهبری جسارت، روحیه تهور و آزادگی را از شرایط تولید علم می‌دانند اما در فضای موجود، ما این روحیه‌ها را نمی‌بینیم.

فضای مطالعات زنان هم دقیقاً اینگونه است! یعنی کمپانی مطالعات زنان در ایران را عده خاصی هدایت می‌کنند و این رشته تحت سیطره یک عده خاصی است. اینها هم دوست ندارند که این کمپانی از سیطره خودشان خارج شود، از این جهت من احساس می‌کنم طرحی که هم هست به نتیجه نمی‌رسد. در زمینه وضعیت اساتید و اعضای هیئت علمی هم باید بگویم دانشگاه‌هایی که حتی می‌خوانند این رشته را بیابوند، اگر بخواهند عضو هیئت علمی بگیرند باید با تأیید و نظر همسان کمپانی مطالعات زنان باشد. حتی انتشار مقالات در این فضا هم بسته به نظر این عده است. این عده با یک هدف خوب کار را شروع کردند، اما با این سیستم ضعیف به نتیجه خوبی نمی‌رسند و از این اتفاق هم ناراحت نیستند. چرا؟ چون خودشان به قوت خودشان باقی می‌مانند و خروجی‌های این سیستم یک مثبت دانشجو هستند که چند سالی مطالعات زنان خوانده‌اند و بعد هم سردرگم مانده‌اند و به هیچ نتیجه‌ای نرسیده‌اند. این مسئله یکی از بزرگ‌ترین ضعف‌های موجود است. در حقیقت فضای موجود نه اعتماد به نفس و خودتکالیی لازم برای دانشجویان دارد و نه تخصصی و جهت‌دهی لازم را در فضای علمی را

**این خط‌دهی و جهت‌دهی باید چگونه صورت بگیرد؟ آیا در صورت خط‌دهی**

**انحصار کمپانی‌ها شکسته می‌شود؟**
بله، مطمئن باشید اگر خط‌دهی وجود داشته باشد انحصار شکسته می‌شود. اینکه چطور می‌شود خط‌دهی را انجام داد باید به صحبت‌های قبل اشاره کنم، در خصوص دادن و تعیین سرفصل‌هایی که دانشجویها می‌توانند براساس گرایش، تخصص و علاقه خود به محض ورود

**لازمه این اتفاق این است که طلبه دانشجویان ذهنیتی از رشته مطالعات زنان داشته باشد که خود شما تصریح کردید. این زمینه آنقدر ها در فرد وجود ندارد.**

می‌توان یک سری از موضوعات را به او معرفی کرد و از او خواست تا بخواهد به گرایش و تخصصش در دوران طلبگی و علاقه و توانش یکی از آن موضوعات را انتخاب کند و طی چهار سال دکتری در آن زیرشاخه جزئی از مسائل زنان به تخصص برسد و پایان‌نامه‌اش را هم در همان حوزه کار کند. باید بگویم فعالان و کسانی که در صدر برنامه‌ریزی برای این رشته و این فضا قرار دارند موضوعاتی را هم دارند، منتها این موضوعات و سرفصل‌ها و اولویت‌ها را به دلایلی خاص ارائه نمی‌دهند. اگر این کار انجام می‌شده به آن هدفی که بر اساسش رشته مطالعات زنان را تشکیل دادند می‌رسیدند، ولی با این شیوه و سبک و سیاق و این مدل آموزشی نمی‌توان به تحقق آن هدف امیدوار بود. باید گفت ساختار این رشته در فضای طلبگی نه مثل بقیه رشته‌های دانشگاهی کشور است که زمینه‌های مطالعات زنان داشته باشد، که مثلا کارشناسی یا کارشناسی ارشدشان در رشته مطالعات زنان و علوم اجتماعی باشد و نه مدلی است که زمینه‌های ذهنی داشته باشد و الان به تخصص برسند و نه مانند کشورهای اروپایی است که بیاید یک موضوعی را انتخاب کند و با کار کردن روی آن به تخصص برسد. یعنی آتش شله‌قلمکاری است که خروجی آن هم معلوم نیست و نمی‌توان فهمید در آینده چه خواهد شد.

**این وضع تاکنون چه نتایجی در بر داشته است؟**

الان دانشجویهای دکتری که کلاس‌هایشان را پشت سر گذاشتند و واحدهای درسی‌شان را گذرانده‌اند، همه دچار سردرگمی در انتخاب موضوع هستند و نمی‌دانند در نهایت قرار است چه اتفاقی بیفتد و به کجا برسند! اصلاً برنام‌های برای ادامه مسیر خود ندارند و معلوم نیست می‌خواهند چه کنند؟! حتی در خصوص پایان‌نامه‌ها معضلی که هست اینکه تنها موضوعاتی انتزاعی که نسبتی با مسائل واقعی جامعه ندارند یا می‌پذیرند حال آنکه طیف‌هایی دیگر به شدت در رابطه با موضوعات پایان‌نامه‌ها و نسبت‌شان با مسائل واقعی جامعه حساسند و به این نکته توجه می‌کنند. این معضل بسیار بزرگی است که هیچ فکری به حال آن نشده و متأسفانه بدون راه‌چاره همچنان با همان سازوکار دانشجو پذیرش می‌کنند.

**در شرایط فعلی برای تغییر و تحول در سازوکار این رشته در این دانشگاه و حوزه‌های علمیه چه موانعی وجود دارد؟**

یکی از بزرگ‌ترین موانعی که وجود دارد که البته تنها مختص به مطالعات زنان هم نیست، بت‌سازی در رشته‌های علمی است. یعنی چند نفر می‌شوند غول رشته خودشان و آنقدر فرقه می‌شوند یا فرقه‌شان می‌کنند که اگر کسی بخواهد در آن رشته رشد کند، حرفی بزند یا به جایی برسد یا باید مورد تأیید این افراد قرار بگیرد یا به نوعی زیر مجموعه آنها باشد. در واقع کسی نمی‌تواند خارج از چارچوب این عده معدود که به هر حال غول آن رشته محسوب می‌شوند کار کند. باید بگویم مثل یک کمپانی عمل می‌کنند و برخورد کمپانی‌گونه با علوم دارند. به طور مثال کمپانی فلان رشته را در ایران چند نفر خاص هدایت و حمایت

می‌مونی است اما می‌توان گفت این افراد احساس می‌کنند که من خیلی حرف‌ها برای گفتن دارم و اگر کسی در کنار من قرار بگیرد ممکن است خیلی از حرف‌هایی که من می‌خواهم در ۱۰ سال آینده بیان کنم را او بیان کند و حرف‌های من دیگر تازه نباشد. در واقع منیت‌ها در این سیستم باعث می‌شود که آن نگاه تولید علم و تولید متخصصی که در بی آن بودیم عملاً بی‌جواب بماند و طلبه دانشجو بدون جهت خاصی रहा شود. نکته اساسی این است که وقتی این دوستان مورد انتقاد قرار می‌گیرند و این پیشنهادات به آنان ارائه می‌شود می‌گویند یک دانشجوی دکتری باید به لحاظ علمی به درجه‌ای رسیده باشد که خودش موضوع و جهشش را انتخاب کند. در حالی که این اشکال مهمی است که باز به سیستم خودشان باز می‌گردد! اگر واقعاً این دانشجو باید در رشته مطالعات زنان این سطح از تخصص را داشته باشد لازمه‌اش این است که کارشناسی و کارشناسی ارشدش را در حوزه مطالعات زنان گذرانده باشد، پس باید از آنها پذیرش کنند اما وقتی با قصد تولید متن و مقابله با متن‌های غربی از طلاب پذیرش می‌کنند باید آماده جهت‌دهی به طلبگی که با زمینه اسلامی وارد فضای مطالعات زنان شده‌اند باشندند اما هیچ فکری به حال این‌بخش ماجرا نکرده‌اند. آنها دانشجویان را راها کرده‌اند و تنها به عنوان کسانی که پای منبرشان باشند قبول‌شان دارند. به عنوان سیاهی لشکرهای پامنبری اما نه به عنوان متخصص‌ها و کارشناس‌های آینده.

**برای مقابله با فضای موجود چه کاری می‌توان انجام داد؟**

بزرگ‌ترین راه، اعتراض جامعه دانشجویی رشته مطالعات زنان است. یعنی باید صدای اعتراضشان به گوش کمپانی‌داران مطالعات زنان برسد. راهش هم تشکیل انجمن‌های علمی مطالعات زنان و حلقه‌های فکری دانشجویی است. یعنی دانشجویان برای خودشان تربیون ایجاد کنند تا صدایشان شنیده شود نه اینکه مثلا اگر کسی تربیونی ایجاد می‌شود باز هم صرفاً از همان افراد استفاده کنند و خودشان جرئت اظهار نظر نداشته باشند. لازمه این امر هم اعتمادبه‌نفس است. چون رشته‌ای مثل مطالعات زنان که نیاز است و متن بومی ندارد به نظریه پردازی نیاز دارد، نظریه‌های گزند تئوریک هر کدام از این دانشجویها می‌توانند یک نظریه برای خودشان داشته باشند. یعنی اگر این عده معدود به دانشجویان جهت می‌دهند کدام از افراد دگرگون می‌شد و امیدبخش، ولی متأسفانه هم خود دانشجویان می‌همتنند و اعتمادبه‌نفس کافی ندارند و هم انحصارطلبی علمی گریبان جامعه



دانشگاهی را گرفته است. ظرفیت‌هایی مثل کرسی‌های آزاداندیشی، کرسی‌های نقد و نظر که مورد تأکید ویژه مقام معظم رهبری هم هستند بزرگ‌ترین ظرفیت‌هایی هستند که می‌توانند در شکستن انحصار علمی مؤثر باشند. هر کدام از این دانشجویها بالاخره حرفی برای گفتن دارند پس باید نشست‌هایی برگزار و حلقه‌های گفت‌وگوی میان خود را تقویت کنند تا بتوان این انحصار را شکست. چرا باید پسندید کرد به عده‌ای معدود، این اصلاً مخالف آزاداندیشی و روحیه علم‌ورزی و اندیشه‌ورزی است.

باید در پی تولید و شنیدن صداهای جدید بود اما سیستم به گونه‌ای شده است که اگر بخواهند نشست برگزار کنند یک تعداد اساتید خاص هستند که اگر آمدند نشست برگزار می‌شود، اگر نیامدند دیگر نشستی برگزار نمی‌شود. در سبط این‌گانه خود دانشجویان هم مقصرند.

**شما این فضا را در فعالان فمنیست عرصه مطالعات زنان هم می‌بینید یا صرفاً به**

**دیدگاه‌های اسلامی باز می‌گردد؟**
نه، اتفاق برداشتن من این است که این فضا منحصر به فعالان مطالعات زنان اسلامی است اما فمینیست‌ها و آنها که نگاه غیراسلامی دارند دوست دارند مولد باشند، یعنی در پی ایجاد فضای گسترده و وسیع هستند، چون مخالف فضای اسلامی مطالعات زنان هستند در پی بسط حیطه فعالیت خودشان هستند. در این مسیر هم بسیار تشویق می‌کنند، اگر دانشجویی را در طیف فکری به آنها مراجعه کند راهکار می‌دهند.

آنها نگاه‌شان نگاه مولد گونه است. برعکس نگاه اسلامی، آنها هیچ اصالتی در این زمینه ندارند. چون می‌خواهند رشد کنند و اکثریت بشوند تولید اندیشه خودشان را لازم می‌دانند و برایش کار می‌کنند. نکته‌ای که در پایان باید بگویم این است که مطالعات زنان با رویکرد اسلامی گویی تنها برای مقابله با دیدگاه‌های فمنیسم ایجاد شده حال آنکه تمام مباحث فمنیسم لزوماً منفی نیست و می‌توان با ایجاد دیالوگ میان دو گفت‌ماند زمینه گفت‌وگو و تبادل نظر را ایجاد کرد. صرف تقابل چندان صحیح نیست.